

مجله موسیقی

از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور



«موسیقی سبک»

کلیات - موسیقی سبک در خارجه - در ایران
روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی

طبقه بندی انواع مختلف موسیقی کاری پیچیده و دشوار است. با اینحال میتوان لفظ واصطلاح «موسیقی سبک» را بطور کلی بانواع موسیقی اطلاق نمود که باعامه مردم سروکار می یابد یا بقصد اینکه مقبول طبع و ذوق اکثریت افراد يك اجتماع بیفتد، ساخته میشود. ولی در اینمورد بدین نکته توجه باید داشت که موسیقی عامیانه و «فولکلوریک» را معمولاً «موسیقی سبک» نمیخوانند و این اصطلاح را بیشتر در مورد ساخته های آهنگسازان - آهنگسازان «سبک» - بکار می برند.

بنابر آنچه گذشت در موسیقی سبک نسبت بمسائل کاملاً هنری و فنی و فکری - از قبیل آنچه که در انواع «جدی» تر موسیقی مطرح است - کمتر

توجه میشود زیرا موسیقی سبک در حقیقت وسیله ارتباطیست بین اکثریت افراد و عامهٔ يك اجتماع، و از همینروست که اهمیت و تأثیر اجتماعی، و آموزشی و هنری آن غیر قابل اهمال است. از طرف دیگر از آنجا که این نوع موسیقی بفرآخور ذوق و سلیقهٔ اکثریت مردم و عوام پرداخته میشود بناچار غالباً در معرض خطر ابتدال میتواند بود. زیرا تهیه کنندگان و مصنفان انواع موسیقی سبک، بالطبع، از جنبهٔ تجارتي و اقتصادی آن غافل نیستند؛ و در این مورد برای کسب موفقیتی سهل الوصول، هیچ راهی مطمئن تر و آسانتر از ابتدال سراع نمیتوان گرفت...

با توجه بدانچه گفتیم در مورد موسیقی سبک اشکال کار و مسئلهٔ اساسی قابل توجه اینست که باید بین دو مقصد و تمایل متضاد، تعادل معقولی برقرار ساخت: یعنی باید کوشید که از انحطاط و ابتدال و فقر هنری آن جلوگیری گردد تا از اینراه وسیلهٔ مثبت و مؤثری جهت پرورش صحیح ذوق هنری عامه باشد، بی آنکه در این زمینه راه اغراق بیساید و ازدسترس طبع و ذوق عامه فراتر رود... زیرا نباید فراموش کرد که موسیقی سبک در همه حال برای شنوندگان آن، وسیلهٔ تفنن و سرگرمی بیش نیست؛ آنچه باید در این میان مورد توجه باشد اینست که این وسیله، در حد تعادل خود، سالم و مؤثر بماند.

در بیشتر کشورهای غربی، و برخی از کشورهای شرقی، موسیقی سبک سنن و سوابق آشکار و مدونی دارد ولی سیر تحول آن در نیم قرن اخیر، بخصوص در بعضی از کشورهای غربی، دستخوش چنان تغییرات شگرفی شده است که در بعضی موارد بیم نابودی آن میرفت. مهمترین عاملی که موجب این تغییرات در مغرب زمین گشته، رواج و توسعهٔ موسیقی جاز، پس از نخستین جنگ جهانی، در اروپا و سپس در کشورهای دیگر دنیا بوده است.

ابرت‌های امریکائی در نخستین سالهای پس از جنگ جهانی اول صحنهٔ غالب تاترهای اروپا را اشغال کرده بود. ساکسوفون، بانجو و سازهای برنجی با «سوردین» بهمهٔ ارکسترهای رقص و موسیقی سبک اروپا راه یافته و بتدریج در همهٔ شهرهای بزرگ آهنگهای «نگر و سپیر چوال»، «بلو» و رقص‌های سیاهان امریکا رواج پیدا کرده بود. ولی تأثیر سازها و آهنگها

ورقص‌های مزبور در سنن موسیقی اروپا نمیتوانست اساسی و عمیق باشد؛ آنچه ممکن بود عرضه‌رابر موسیقی سبک اصیل و ملی کشورهای اروپا تنگ‌سازد و در گونه‌اش سازد تمهیدات و تکنیک «آرمونیک» و «انسترومانتال» (سازی) خاصی بود که آهنگسازان این سبک‌های نو ظهور بکار می‌بستند، و همچنین وزنه‌های «سنگه» و سبک نویسنده‌گی‌ای که با سنت‌های موسیقی سبک و عوام‌پسند اروپا ناسازگار و متفاوت مینمود.

رواج و نفوذ مطلق جاز چند صباحی ادامه داشت ولی بتدریج هوس جاز (که بعقیده عده‌ای، داشت ریشه سوابق موسیقی ملی سبک مغرب‌زمین را برمی‌انداخت) از سرها افتاد و آهنگسازان «سبک» اروپا بزودی دریافتند که موسیقی جاز، بصورت اصیل و معتبر، جز بوسیله موسیقیدانان سیاه‌پوست بیان و اجرا نمیتواند شد و موسیقی دانانی چون «گرشوین» را از این لحاظ موارد استثنائی باید شمرد و مثال آنها را عمومیت نمیتوان داد.

از آن پس نوع مختلط و دورگه‌ای بنام «جاز سنفینیک» متداول گشت که نه جاز بود و نه سنفنی... این نوع جدید بتدریج لحن و جنبه‌ای بین‌المللی بخود گرفت که خصوصیات و لطف محلی موسیقی سبک ملل اروپا را یکسو مینهاد یا نادیده می‌گرفت. این امر درست مخالف با جریانی بود که تا آن زمان تحول موسیقی سبک کشورهای اروپا پیموده بود: بدین معنی که تا آن زمان موسیقی سبک ملل مختلف اروپا فقط با اتکاء بخصوصیات محلی و رنگ ملی خود توانسته بود از حدود مرزهای آن کشورها بیرون آید و جنبه‌ای بین‌المللی بیابد؛ والس‌ها و قطعات سبک «شتر اوس» را در همه جای دنیا بعنوان موسیقی شهر «وین» میشناختند، اپرت‌های «سولیوان» (Sullivan) انگلیسی بعنوان موسیقی انگلیسی معرفی میشد و آهنگسازانی چون «لکک» (Lecoq) و «مساژه» (Messenger) و دیگران خود تاحدی مکتب موسیقی سبک فرانسه را تشکیل می‌دادند... هر کدام از سنت‌های ملی‌ای که ذکر کردیم رنگ و سبک مخصوص بخود را داشت و غالباً از هنر عامیانه و «فولکلور» آن ملل نیز چندان دور نبود. این مطلب اخیر بخصوص جالب توجه است که موسیقی سبک پرارزش و معتبر هر کشوری غالباً به فولکلور آن ملت - حتی هنگامی

که آن فولکلور کم و بیش فراموش شده باشد. مربوط میشود. پس از جنگ جهانی اخیر در برخی از کشورهای اروپا جهت احیای سنت‌های موسیقی سبک اقداماتی بعمل آمد و بخصوص در فرانسه مؤسسه دولتی رادیو وتله ویز یون بدینکار همت گماشت. انجام این کار البته چندان آسان نبود زیرا سبک جاز در همه ارکسترهای سبک واپرت‌ها و تصانیف مردم‌پسند رسوخ یافته و حتی در بعضی از تالارهای کنسرت نیز راه پیدا کرده بود. ولی پس از کوشش‌هایی چند، توجه مردم و شنوندگان رادیو بتصانیف سبک قدیمی معطوف گشت و از این موسیقی فراموش شده، از جانب عامه، استقبال بسیار شد. در این هنگام بود که متصدیان موسیقی رادیو ب فکر افتادند که آهنگهای جدیدی بسبک آهنگهای سبک گذشته بسازند و رواج دهند. ولی انجام این کار، بر خلاف آنچه ممکنست بنظر برسد، چندان آسان نبود زیرا از طرفی بیم تکرار مکررات میرفت و از طرف دیگر سازندگان موسیقی سبک بیش از آن بسبک و «فورمول»های جاز سنفینیک خو گرفته بودند که بتوانند شیوه و مبدائی نو برگزینند.

مؤسسه رادیو وتله ویز یون فرانسه و همچنین متصدیان موسیقی رادیوی یکی دو کشور دیگر اروپا در این مورد بکاری دست زدند که بسیار جالب و بیسابقه بود، و آن اینکه آهنگسازان با اصطلاح جدی و کلاسیک را به نوشتن قطعات موسیقی مردم‌پسند سالم و ملی دعوت نمودند، زیرا، همچنانکه گفتیم نغمه پردازانی را که در موسیقی سبک و مردم‌پسند تخصص یافته بودند بیش از حد معتاد به «فورمول»های ناپسند تشخیص می‌دادند.

بدینگونه، از بهترین و مشهورترین آهنگسازان کلاسیک درخواست شد که جهت ایجاد یک موسیقی سبک با ارزش و مردم‌پسند همکاری نمایند و برای اینکه هدف منظور بهتر تأمین شود تصریح شد که، در درجه اول، در آهنگهایی که ساخته میشود باید کاملاً از تمهیدات و فورمولهای جاز اجتناب شود و، در درجه دوم، مدت اجرای آهنگها از سه دقیقه تجاوز نکند... علت محدود ساختن مدت اجرای قطعات این بود که آهنگسازان را از بسط و پرورش دادن آهنگها («دولوپمان») باز دارند، زیرا «بسط و پرورش» از تمهیدات آهنگسازیست که بهر حال جنبه‌ای علمی و ذهنی دارد و با مقتضیات موسیقی

